

ملاحظات و آسیب پذیری ها روایت‌گری:

محمد جان پور*

که در آینده با مسائلی مواجه خواهد شد که او را نیازمند استفاده از تجربیات گذشتگان خواهد نمود لذا این مشاهدات کنونی و احساس نیاز در آینده او را بر آن می‌دارد که برای مطالعه تاریخ این واقعه تلاش کند. با توجه به اینکه نویسنده این مقاله خود نیز دانشجوی و از نسل جوان جامعه می‌باشد لذا تنها سند ذکر این مطالب در حقیقت وجدانیات و دریافت‌های شخصی مؤلف می‌باشد.

البته این نکته نیز نباید فراموش شود که بدلیل کثرت مشاغل روزمره افراد که موجب افت سطح مطالعه در جامعه شده است این نسل ترجیح می‌دهد که بواسطه دیدن و شنیدن از جانب دیگران نیازهای خود را برآورده کرده و با عبور سریع از گذشته به سمت آینده حرکت کند. در اینجا سست که نقش و اهمیت و حساسیت صدا و سیما بعنوان بزرگ‌ترین و مؤثرترین عامل در انتقال مفاهیم به نسل جوان و همچنین رزمندگان و راویان این واقعه، بیش از پیش آشکار می‌گردد. نقش و تأثیر آنها بدلیل اینکه واسطه این انتقال و ارتباط هستند، از حساسیت خاصی برخوردار است بدین معنا که کوچک‌ترین انحراف و کج فهمی و یا هرگونه خلل دیگری که این ارتباط را تحت تأثیر قرار دهد، می‌تواند اثرات بسیار خطرناکی را بر جای بگذارد بگونه‌ای که حتی اصل موضوع نیز تحت الشعاع قرار گیرد. در روایت فرهنگ دفاع مقدس باید تمامی عواملی که مخل و محدود کننده فرآیند ارتباطی بین راوی و مخاطب هستند بررسی، تجزیه و تحلیل گردند. همچنین با در نظر گرفتن عوامل اقتصادی، فرهنگی و مسایل بین‌المللی که مستقیم یا غیر مستقیم بر این فرهنگ تأثیر دارند، می‌توان به شناخت درست اثر این مقوله رسید هرچند که این متن مجال پرداختن به این مباحث را ندارد.

مقدمه:

بررسی پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی مستلزم جست‌وجو در همه ابعاد برای دستیابی به علت‌های پنهان و آشکار آن است. اکتفا نمودن به یک علت، و یا نگرش یک سویه در تحقیق موجب لغزش و خطا می‌شود.

هدف این مقاله این است که در ابتدا با بیان بسیاری از مسائل جانبی و حاشیه‌ای پدیده‌ای جنگ، با نگاه آسیب‌شناسانه روایت‌گری جنگ را مورد بررسی قرار دهد. به اعتقاد مؤلف، تحلیلی که امروز از مسئله جنگ که در اینجا به طور اخص جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌باشد، ارائه می‌شود بیانگر روایت و نگاه خاصی است که توسط راویان این واقعه در سطح جامعه بسط و گسترش یافته است.

گفتمان روایت‌گری

می‌توان گفت که امروزه شاهد ظهور نوعی گفتمان روایت‌گری از مسئله جنگ هستیم که هرچند جزء واقعه جنگ نبوده ولیکن در حقیقت، امروزه در کنار این واقعه قرار گرفته و شاید بتوان گفت که اهمیتی بیشتر از آن یافته است؛ چرا که دیگر بازگشت به گذشته و بررسی وقایع گذشته تنها با داده‌ها و نگرش خاصی صورت می‌گیرد که حاصل گفتمان کنونی درباره جنگ و روایت آن می‌باشد.

تذکر چند نکته در ابتدای بحث لازم می‌باشد؛ اول آنکه منظور از مخاطبین در این مجال بیشتر نسل جوان و دانشجوی می‌باشد، به این دلیل که به نظر می‌رسد بیش‌ترین متقاضیان فهم تاریخ گذشته، نسلی می‌باشد که در واقعه حضور نداشته و اکنون در سطح جامعه با مسائلی مواجه می‌شود که او را ناگزیر از آن می‌کند که به گذشته خود نگاه کرده و درک جامعی از آن بدست آورد. همچنین از طرفی احساس می‌کند

این مسئله در حقیقت دغدغه اصلی مؤلف از نگاشتن این مقاله می‌باشد که امید است متن حاضر بتواند تذکراتی هر چند کوچک در جهت اصلاح این مسائل باشد.

نکته دوم اینکه از جمله دغدغه‌های نسل جوان امروز بعنوان اکثریت مخاطبان گفتمان روایت‌گری، فهم یک تحلیل کلی از حادثه در راستای استفاده از تجارب جنگ دیروز برای زندگی امروز می‌باشد. به عبارتی دیگر اهمیت این مسئله که مواضع و رفتار حضرت امام خمینی (ره)، فرماندهان و رزمندگان در صحنه انقلاب و جنگ چه تاثیری بر روند زندگی امروز ما در سطح داخلی و خارجی گذاشته‌است. آشنایی و فهم این موضوع پاسخ بسیاری از پرسش‌ها درباره علل و چرایی وقوع حوادث را روشن می‌کند. این مطلب به معنی نفی بررسی علل و چرایی رخدادها نمی‌باشد چراکه در حقیقت این عوامل بودند که موجب وقوع بسیاری از حوادث از جمله جنگ شده‌است و دانستن آنها می‌تواند کمک بزرگی به جلوگیری از تکرار آن در آینده بکند.

مطالعه و بررسی عملکرد حضرت امام در مورد واقعه جنگ در این کشور از دو منظر اهمیت دارد: اول اینکه چرا ایشان یک چنین تصمیمی گرفتند و اینگونه عمل کردند و دوم اینکه تصمیم‌گیری ایشان چه اثراتی در سطح جامعه و همچنین در بعد بین‌الملل داشته‌است. باید گفت که آنچه امروزه نسل جوان در سطح جامعه با آن درگیر است در حقیقت بازتاب و نتایج آن تصمیمات و عملکردهاست و اگر سوالی هم از تاریخ گذشته می‌شود بیشتر برای درک این است که در زمان حال وضعیت به چه صورت است. به نظر می‌رسد این احساس نیاز نه تنها تک بعدی نبوده بلکه نوعی حق نسل جوان نیز می‌باشد.

نکته دیگر در مورد اثرات پرداختن به چنین موضوعی می‌باشد. بیان اینگونه موضوعات در سطح جامعه و بخصوص در میان مسئولین و متولیان امر فرهنگ دفاع مقدس در مرحله اول معرفی این نوع گفتمان می‌باشد که امروزه در سطح جامعه و بخصوص در میان رزمندگان عرصه دفاع مقدس تحت عنوان گفتمان روایت‌گری رواج دارد. این گفتمان هرچند که برخاسته از عمق حماسه عظیم دفاع مقدس می‌باشد لکن بدلیل تشنگی در مبادی و منابع، اکنون شاهد بروز اختلاف روایت‌هایی هستیم که می‌توان به جرأت عنوان تعارض روایت‌ها را نیز بر آنها نهاد. مؤلف معتقد است که این اختلاف و تعارض در روایت‌ها نه از عمد بلکه اکثراً بصورت سهوی و ناخواسته بوده و علت بروز چنین اختلافاتی، مسائلی می‌باشد که برخی از آنها در درون این گفتمان و برخی دیگر نیز در بیرون از این گفتمان قابل مشاهده و بررسی می‌باشد.

بازتاب این شناخت اگر در برنامه‌ها و راهکارهای فرهنگ سازان لحاظ شود می‌تواند جامعه را هم از تأثیرات مثبت این گفتمان که در حقیقت ایجاد روحیه حماسه و حرکت و از خود گذشتگی (دور شدن از خودخواهی) است برخوردار کند و هم تأثیراتی که حاصل پاسداشت حرمت و قداست شهید به شکل واقعی و حقیقی است با شیوه‌های درست انتقال و ترویج این فرهنگ بیان کند.

روایت و روایت‌گری

روایت و یا به عبارتی انتقال مطلب به مخاطب به طور کلی به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم (حضور و غیر حضور) تقسیم می‌شود. البته این نوع تقسیم بندی به لحاظ نوع ارتباط بین مخاطب و متکلم می‌باشد که در اینجا برای ما از اهمیت بسزایی برخوردار است. الف) روایت مستقیم یا حضوری همچون سخنرانی‌ها، برگزاری همایش‌ها، کنفرانس‌ها، کنگره‌ها و روضه خوانی‌ها، نوعی ارتباط کلامی هستند که راوی و مخاطب رو در رو با هم مواجه می‌شوند و پیام و مفهوم ارائه شده بی واسطه به سمع و نظر مخاطب می‌رسد.

این نوع روایت که اکثراً توسط اشخاص حقیقی و یا حقوقی انجام می‌شود در جای خود از معایب و محاسن خاصی برخوردار می‌باشد. از جمله محاسن این نوع روایت این است که باز خورد و بازتاب این پیام ارائه شده قابل مشاهده می‌باشد و لذا راوی می‌تواند در مورد ادامه ارتباط و یا قطع آن و همچنین در تغییر نوع محتوای کلام تصمیم‌گیری کند.

این نوع روایت این امکان را نیز به دیگران می‌دهد که بعنوان شخص ثالث نظاره‌گر جریان بوده و بتوانند در مورد نحوه روایت‌گری فرد راوی اظهار نظر کنند. این امر از این نظر مهم است که مخاطبین بعثت تحت تاثیر قرار گرفتن از جانب راوی چه بصورت منفی و یا مثبت صلاحیت این اظهار نظر را گاه‌آگاه‌دار نمی‌باشند هر چند متأسفانه در اکثر نظرسنجی‌های صورت گرفته در مورد راویان به این نکته بی‌توجه بوده و فرم‌های نظرسنجی توسط مخاطبین تکمیل می‌شود که معایب و نواقص خود را نیز دارا می‌باشد.

ب) روایت غیر مستقیم و یا غیر حضوری. در این نوع خاص از روایت‌گری، راوی، پیام و مفهوم خود را در قالب رسانه‌ای به سمع و نظر مخاطب می‌رساند همچون کتاب، نمایشنامه، فیلم، رادیو، تلویزیون و روزنامه. در اینگونه روایت‌گری‌ها پیام به شکل غیر مستقیم به مخاطب انتقال می‌یابد و لذا امکان اینکه بازتاب هم زمان نظرات و احساسات مخاطبان به راویان برسد وجود ندارد. این مطلب از این نظر اهمیت دارد که نوع رابطه‌ای که افراد با یکدیگر برقرار می‌کنند و اثراتی که از این برقراری تماس دریافت می‌کنند عامل تعیین کننده مهمی در رابطه با موضوع روایت و روایت‌گری می‌باشد. در همین زمینه لازم

است که بعنوان مقدمه در رابطه با روابط بین افراد نکاتی مطرح شود.

بطور کلی روابط را در قالب نوع دسته بندی می توان توضیح داد:
۱- روابط فردی: ارتباطی که فرد با خودش برقرار می کند همچون فکر کردن و یا نوشتن مطلب که در حقیقت نوعی گفت و گوی درونی و فکر کردن است.

۲- روابط بین فردی: ارتباطی که یک فرد با فرد دیگر برقرار می کند مانند مباحثه و گفت و گوی دو نفر با هم. در این نوع از ارتباط اصل دو نفر بودن قابل ملاحظه است چرا که این دو تماماً توجه خود را معطوف به فرد مقابل نموده و در حقیقت علت اصلی برقراری ارتباط نیز احساس نیاز و تمایل طرفین به برقراری این ارتباط می باشد. در بسیاری از موارد مشاهده شده که اثرات این نوع از ارتباط به مراتب از انواع دیگر ارتباط ماندگارتر و موثرتر می باشد. در رابطه با مقوله روایت گری هنگامی که فرد مخاطب خود شخصاً با انگیزه درونی به نزد راوی رفته و طلب برقراری ارتباط می کند، اثرات ماندگارتری را می توان مشاهده کرد.

۳- روابط گروهی: ارتباطی که یک فرد با گروهی از افراد برقرار می کند مانند کلاس درس و یا گروه مطالعاتی. در این نوع از ارتباط، فرد نه بعنوان مسئول گروه بلکه به عنوان یکی از اعضا، شناخته شده و لذا به صحبت های او نیز با نگاهی عادلانه و مساوی نگرانه توجه می شود. ملاک شکل گیری این نوع از ارتباط، علاقه و دغدغه مشترکی می باشد که در همه اعضا گروه وجود دارد و لذا نوع موضع گیری افراد در قبال این نوع از ارتباط بسیار محافظه کارانه می باشد.

در گفتمان روایت گری وجود جلسات پیشکسوتان و یا راویان و رزمندگان و نوع مطالبی که در اینگونه از جلسات مطرح می شود در حقیقت بیانگر نوعی ارتباط گروهی میان راویان می باشد.

۴- روابط جمعی: ارتباطی که در آن شناخت مخاطبان غیر ممکن یا بسیار دشوار است همچون... که ارتباط فرد از طریق رسانه های جمعی رادیو، تلویزیون و روزنامه ها. فرستنده پیام (راوی) به راحتی نمی تواند بازتاب پیام ارسالی خود را از مخاطبان دریافت نماید. با تسامعی بیشتر می توان گفت که اکثریت روایتگری های عصر حاضر در قالب این نوع از روابط می باشد... محدودیت ها و ضرورت های دوره جدید موجب شده است رسانه ها در روایت گری نقش گسترده ولی بدیهی داشته باشند.

این نوع از روایت گری درحقیقت جنبه عرضه اطلاعات و یا موعظه و نصیحت را دارند و نمی توان از آنها کارکرد اثرگذاری عمیق در فرد مخاطب را انتظار داشت و از طرفی بعلا این که قابلیت سمعی و بصری

دارد به عرصه خوبی برای تبلیغ تبدیل شده است.

عوامل اختلال در ارتباط

در ادامه به ذکر نمونه هایی از عوامل موثر در ایجاد اختلال برای یک ارتباط صحیح و کامل که در حقیقت از عوامل محدودیت ساز در فرآیند ارتباطی هستند بسنده می کنیم. اطلاع از اینگونه موارد این امکان را فراهم می آورد تا بتوان در راستای حذف آنها تلاش کرد و در نتیجه ارتباط به شکل مناسب انجام پذیرد هر چند که در ابتدا شناسایی منبع این عامل اختلال مهم می باشد و سپس رفع آن.

۱- عوامل اختلالی که عامل آنها شخص راوی می باشد:

الف) مشکلات طبیعی مثل صدای نارسا و کسل کننده و بی ذوق یک سخنران.

ب) مشکلات ساختاری مثل عدم تمایل راوی به دریافت بازخورد پیام از مخاطبین که امکان اصلاح و تجزیه و تحلیل پیام های ارسالی بعدی را سلب می کند.

۲- عوامل اختلالی که عامل آنها اصل پیام و نوع آن می باشد:

این نوع از عوامل اختلال بیشتر در صدد بررسی محتوای کلام القاء شده می باشند مانند پیام های سنگین و غیر قابل فهم و درک برای مخاطب و یا غیر جذاب که برای گیرندگان پیام. این نوع از محتواها گاهاً موجب ایجاد اختلال در فهم آن پیام برای مخاطبین می شود.

۳- عوامل اختلالی که عامل آنها مخاطبین می باشند:

هر دلیلی که باعث شود گیرنده پیام و مخاطب آماده دریافت پیام نباشد، از این نوع شمرده می شود مانند حواس پرتی، معلومات پایه ضعیف داشتن و یا عدم وجود انگیزه کافی در مخاطب برای شنیدن کلام راوی.

۴- عوامل اختلالی که عامل آنها وسایل ارتباطی می باشد:

بطور کل هرگونه مشکل یا خرابی که در وسایل ارتباطی به وجود آمده است مثل خرابی سیستم صوتی و تصویری، محیط شلوغ و نامناسب، سردی و گرمی فضا، نور کم و یا زیاد و یا حتی چاپ نشدن بعضی کلمات در یک متن، می تواند از جمله این عوامل باشد.

امروزه شاهد آن هستیم که راویان فرهنگ عظیم دفاع مقدس اعم از سپاه، ارتش، بسیج، دانشجوی، طلبه و... نتوانسته اند در انتقال محتوای پیام شهدا به مردم آنچنان که باید و شاید موفق باشند. در همین راستا قصد داریم با بیان مواردی چند از عوامل موثر در عدم شکل گیری یک روایت مناسب، گامی در جهت اصلاح این موانع برداریم.

این عوامل را می توان در موارد ذیل جستجو نمود:

الف) کاهش مقبولیت مروجین فرهنگ در بین آحاد مردم

ب) عدم به کارگیری روایت‌های جذاب و قابل درک و استفاده برای عموم مردم

ج) یکنواختی شیوه روایت‌گری و انتقال پیام، و فقدان جذابیت و خلاقیت.

د) افزونی نقل بر عمل که موجب ایجاد تناقض فکری برای مخاطبان می‌گردد و عملاً گرایش به جذب پیام را کاهش می‌دهد.

ه) عدم دقت کافی در مورد مهارت‌های کلامی گرایش و طرز تفکر، معلومات و اطلاعات، خصوصیات اجتماعی و فرهنگی مخاطبان.

و) عدم توجه به بازخوردها و اثرات روایت مطرح شده در بین مخاطبین که موجب ایجاد یک ارتباط خطی و یک بعدی و فاقد اصلاح‌پذیری و تغییر در شیوه انتقال پیام است.

ز) باور به تمایز و تفاوت داشتن بین بازماندگان شهدا و دیگر عموم مردم. این باور آرام آرام می‌تواند قداست و حرمت شهدا را کاهش دهد.

در صورتی که در سیره پیامبر اکرم (ص) تمایزی و یا تفاوتی بین بازماندگان شهدا و یتیمان جامعه وجود نداشت و رفتار ایشان نسبت به این دو قشر یکسان بوده است.

آسیب‌شناسی گفتمان روایت‌گری

در ادامه، مواردی چند از نوع آسیب‌هایی که گفتمان روایت‌گری را مورد تهدید قرار می‌دهد مطرح می‌گردد.

۱- تحریف

یکی از مهم‌ترین آفات همه فرهنگ‌ها و مکتب‌ها مسئله تحریف است. تحریف از ماده «حرف» به معنای منحرف کردن و کج کردن یک چیز از مسیر و مجرای اصلی آن می‌باشد. می‌توان تحریف را از نظر نوع بر دو نوع لفظی - قالبی و معنوی - روحی دسته‌بندی کرد. همچنین از نظر عامل منحرف نیز بر دو قسم است:

الف) از طرف دوستان به علت جهالت آنها

ب) از طرف دشمنان به علت عداوت و زیرکی آنها

متأسفانه در گفتمان روایت‌گری فرهنگ دفاع مقدس، مسئله تحریف نیز رخ داده است که بعنوان مثال می‌توان به مواردی همچون خدشه دار کردن انگیزه‌های پاک رزمندگان، ایجاد ابهام در چرایی جنگ بعد از فتح خرمشهر و مسائلی از این دست اشاره کرد، همچنان که در مورد واقعه عاشورا که یکی از مهم‌ترین وقایع جهان اسلام است این مسئله بروز کرده و انحرافات مختلفی اعم از لفظی و معنوی بوجود آمده است.

البته حضور ایثارگران و خانواده‌های ایشان و ارتباط و تعامل مناسب

با آنها که راویان بلاواسطه و صدیق ایثار و شهادت هستند می‌تواند عاملی جهت جلوگیری از ایجاد انحرافات در اصل واقعه باشد.

از جمله علل تحریف وقایع و حوادث می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مصلحت‌اندیشی، حفظ منافع فردی، غفلت از وقایع، کوتاه فکری و ساده‌انگاری، عدم درک درست وقایع، سرخوردگی از گذشته، عدم امید به آینده و غیره. در مقاله حاضر با توجه به موضوع روایت و روایت‌گری سعی شده است که عوامل اصلی تحریف در رابطه با روایت حادثه دفاع مقدس تحلیل و بررسی شود.

عوامل به وجود آمدن تحریف در روایت‌گری را می‌توان در دو عنوان خلاصه کرد:

الف) بی‌اعتقادی؛

در بسیاری از موارد راوی به جهت تحریک احساسات مخاطبین، تعریف و تمجید بیش از حد از حماسه سازان دفاع مقدس، بیان حقایق دفاع مقدس و نوع عملکرد مسئولین و فرماندهان، سهواً یا عمداً به تحریف وقایع دفاع مقدس می‌پردازد.

نکته قابل توجه اینکه این مورد در دو دسته از راویان نمایان است: گروه اول افرادی که آنچنان اعتقادی به دفاع مقدس نداشته و صرفاً به جهت معرفی خود، کسب امرار معاش و درآمد مالی و ... به روایت‌گری می‌پردازند که طبیعتاً منفعت این افراد در تحریک بیشتر احساسات مخاطبین است چراکه عکس‌العمل بیشتر و بهتر از طرف مخاطب موجب کسب شهرت و اعتبار برای راوی است.

گروه دوم راویانی هستند که بسیار معتقد به دفاع مقدس می‌باشند و در حقیقت از روی دغدغه شخصی و اعتقادات قلبی و دردی که در سینه دارند همه مشکلات را تحمل کرده و جهت روایت‌گری به مناطق می‌آیند و هدف عمده ایشان از این کار آگاهی بخشی به نسل جوان در مورد حقایق جنگی است که واقع شده، لکن نکته ظریف این است که اکثر این افراد به دلیل عدم درک درست حقایق و ماندگاری آن در طول تاریخ دچار انحرافات در روایت‌گری خود می‌شوند.

اگر این مطلب به صورت یک اعتقاد قلبی در فرد راوی تثبیت شود که دفاع مقدس یک جنگ حق مدارانه علیه باطل و کفر بوده است و حق هیچگاه زوال نمی‌پذیرد و باطل همچون کف روی آب نمایان می‌شود، موجب خواهد شد که راوی دیگر نیازی به تحریف وقایع جهت تحریک احساسات برای اثبات حقایق جنگ نداشته باشد.

لذا به این دلیل است که می‌گوییم راوی باید هم معتقد باشد و هم منتقد؛ چراکه بواسطه اعتقاد خود پایداری حق برای او قطعی می‌شود و بواسطه داشتن روحیه انتقادی، مسائل را موشکافانه و دقیق بیان می‌کند.

ب) بی‌اطلاعی؛

عدم شناخت فضای کنونی جامعه و تاثیر آن در روایت‌گری افراد به این معنا می‌باشد که راوی توجه نداشته باشد که آیا بواسطه بیان وقایع و حوادث جنگ می‌تواند مسئله مورد نیاز مخاطب خود را در قالب روایت مناسبی ارائه کند یا نه؟ این مطلب ناشی از عدم وجود احساس دغدغه و پویایی فکری در فرد راوی است. راوی باید خلاءها و نیازهای مخاطبین و فضای جامعه خود را بشناسد و این ممکن نیست مگر با داشتن روحیه انعطاف‌پذیری. اگر راوی بدنبال مسئله یابی برای شرح وقایع و روایت خود نباشد و نتواند روایت خود را به مسائل قابل لمس و مورد نیاز مخاطب نزدیک کند، در آنصورت نه تنها روایت و کلام خود را که چه بسا کلیت آن ماجرا و وقایع را نیز از مقصد و منظور اصلی خود منحرف ساخته و نتیجتاً برآیند این وضعیت، احساس بی‌اعتنایی مخاطب به کلیت آن واقعه خواهد بود که این مطلب مصداق بارز تبدیل شدن روایت به ضد روایت و ضد تبلیغ می‌باشد.

۵- عدم وجود سناریوی روایت‌گری؛

بی‌توجهی به اینکه راوی مطالب خود را از کجا آغاز کند و چه مطالبی را در روایت خود بیان کند یکی از مشکلاتی است که اکثر راویان با آن مواجه بوده و باعث شده که نوعی در هم ریختگی مطلب و آشفتگی کلام برای مخاطبین بوجود آید. این امر زمانی بروز می‌کند که مخاطب در مورد مطلبی واحد با چندین نوع روایت و چندین نوع محتوا مواجه شود. اگرچه می‌توان گفت که یکی از علل این امر وجود نگاه‌های مختلف به موضوع و یا اطلاعات مختلف راویان در مورد آن مطلب باشد همچنین توجه به این امر که اگر راویان از سناریوی واحدی برای بیان مطالب خود استفاده کنند می‌توانند این معضل فکری را برای مخاطبین خود حل کنند که هر کدام از مطالبی که بیان می‌کنند مربوط به کدام بخش و قسمت می‌باشد.

تاکنون مجموعه‌های مختلف روایت‌گری بر اساس رسالت سازمانی خود و موضوعاتی که می‌خواهند به مخاطب انتقال دهند سناریوهای مختلفی برای خود تدوین کرده‌اند و امید است که در آینده‌ای نزدیک این سناریوها کارشناسی شده و به سناریوهای واحدی تبدیل گردند.

۶- عدم پرداختن به مؤلفه‌های تشکیل دهنده شخصیت شهدا؛

شهید در زمان و مکان نمی‌گنجد و به آن حد از عرفان رسیده که با همه وجودش بسوی دوست پرواز می‌کند تا آنجا که تاب تحمل پیکر نحیف خویش را ندارد و لذا نمی‌توان چنین کسانی را در بند مرامنامه و اساسنامه احزاب محصور کنیم که ظلم بزرگی به آنان است و استفاده ابزاری از ایشان، چهره آنان را مکدر می‌کند.

محصور کردن شهدا در دایره تنگ احزاب و گروه‌ها بدین معناست

در مواردی که راوی اطلاع درستی از واقعه ندارد به بیان مطالبی می‌پردازد که از صحت کافی برخوردار نمی‌باشند. این مورد را نیز می‌توان بیشتر ناشی از بی‌تقوایی و عدم تثبیت اعتقادات در فرد راوی دانست. نکته قابل توجه اینکه اصل بی‌اطلاعی موجب ایجاد تحریف نمی‌باشد چرا که اولاً همه اطلاعات جنگ را یک نفر نمی‌داند و ثانیاً در بسیاری از موارد، راوی خود اذعان به عدم آگاهی در مورد مساله مطروحه می‌کند که در این صورت تحریفی رخ نمی‌دهد. عبارت «نمی‌دانم»، عبارت معروفی است که به دفعات از زبان علامه بزرگوار طباطبایی شنیده شده است.

۲- عدم آشنایی با روش‌های تبلیغ و روایت‌گری؛

از جمله مباحث عصر جدید و فوق‌العاده مهم، روانشناسی جهان معاصر است که زیرساخت‌ها، لایه‌های اصلی رفتار و فرهنگ و مبادی اخلاق و معنویت تمدن‌ها را تحت تاثیر قرار داده است. با توجه به مباحث تخصصی روانشناسی، همچون تقسیم ذهن به خود آگاه و ناخودآگاه، تخیل و رویا و تاکید بر روانکاو که توسط فروید صورت گرفته از این نظر جهان امروز، جهان تبلیغات و پردازش اطلاعات نام گرفته است.

آشنایی با روش‌های مدرن و جذاب تبلیغ نه تنها برای معرفی و آشناسازی نسل جوان با فرهنگ عظیم دفاع مقدس مفید است بلکه لازم و ضروری می‌باشد و عدم آشنایی با این اصول ما را در گذشته محصور می‌کند و امکان ارتباط با نسل جوان و پاسخگویی به نیازهای آنها جهت انتقال فرهنگ جهاد و حماسه را از ما سلب می‌کند.

۳- عدم توجه به شخصیت و تیپ اجتماعی مخاطب؛

بطور کل توجه به شرایط روحی و روانی مخاطب می‌تواند در نوع روایت راوی، اثرگذار باشد چرا که می‌توان سبک روایت را بر اساس نوع مخاطبین به دو نوع تقسیم کرد: روایت عامیانه و سطحی که در پی شرح حوادث و بیان نتایج آنها می‌باشد و معمولاً در این نوع از روایت است که با تعارض و تخالف روایات مواجه می‌شویم.

نوع دوم روایت عالمانه و محققانه است که بیشتر در پی تحلیل حوادث و بیان علل وقوع آنها می‌باشد. از جمله ویژگی این نوع روایت‌گری، توجه به مبانی و اصول و نظریه‌های جنگ و دفاع مقدس می‌باشد.

راوی باید توجه داشته باشد که برای کدام مخاطب و در چه شرایطی می‌خواهد صحبت کند و نوع کلام خود را بر اساس آن باید تغییر دهد.

۴- عدم شناخت نیازها و فضای کنونی جامعه؛

که راوی بیش از پرداختن به اصل شخصیت شهید به ظاهر پرداخته و در غالب مجموعه های فکری و اعتقادی مختلف بخواد شهید را معرفی کند. بطور کل به دو صورت می توان به بررسی شخصیت شهید پرداخت: رویکرد اول، بررسی شخصیت و موقعیت فعلی (به هنگام شهادت) فرد است. بیان مسئولیت و موقعیت فرد به هنگام شهادت و ویژگی های اخلاقی و رفتاری فرد که به آن موصوف می باشد از این رویکرد ناشی می شود.

رویکرد دوم، بررسی سیر تحولات شخصیتی شهید است. اینکه نقطه عطف و تحول در زندگی شهید کجا بوده و چه عواملی باعث شده که فرد به یک سری صفات اخلاقی و رفتاری متصف شود و به این مسئولیت و موقعیت برسد ناشی از نگاهی است که قصد دارد بصورت عمقی و ریشه ای به بررسی شخصیت شهید پرداخته و در حقیقت مولفه های تشکیل دهنده شخصیت شهید را بررسی و بیان کند.

۷- برخورد سطحی با مقوله روایت گری دفاع مقدس؛

با وجود آن که نسل سوم انقلاب از ابتدای تولد در نظام کریمه جمهوری اسلامی رشد و تکوین یافته و در معرض تبلیغات وسیع در مدارس، صدا و سیما و کتابها بوده اند بنظر می رسد استفاده از روش های ناکارآمد باعث عدم آگاهی مناسب این گروه از قشر جامعه با فرهنگ ایثار و شهادت شده است.

این مسأله در حقیقت به نوع تلقی راوی از مقوله جنگ و دفاع مقدس بازمی گردد. ممکن است راوی مقوله دفاع مقدس را به عنوان یک مبحث تاریخی و صورت گرفته در گذشته می پندارد و یا یک موجود زنده و دارای حیات و اثرگذار. این امر می تواند موجب اثراتی از جمله تحریک ذهنی مخاطبین بشود که با یک موضوع زنده و به روز مواجه هستند و لذا دیگری تفاوت از کنار آن نمی گذرند. راویان همچون پرچم داران و پیش قراولانی هستند که توقف آنها، توقف جامعه و حرکت آنها، حرکت جامعه را به دنبال خواهد داشت.

روایت جنگ، متأثر از نوع نگاه به جنگ است.

می توان به جنگ تنها از منظر تاریخی آن نگاه کرد و آن را همچون یک کالبد انسانی تشریح نمود و یا اینکه از منظر حقیقت جنگ به آن نگاه کرد و آن را همچون یک روح انسانی تشریح نمود و یا از هر دو منظر و جنگ را همچون یک روح در کالبد انسانی تشریح نمود. هر کدام از رویکردها روایت خاص خود را در پی خواهند داشت. فردی که به دفاع مقدس همچون یک روح در کالبد انسانی نگاه می کند بیشتر به دنبال اصول و مبانی و فرهنگ ریشه ای می باشد و کمتر به جزئیات و ظواهر امر پرداخته و سعی در تطبیق مبانی کلی بر حوادث واقع شده و یا مسائلی شبیه به آن دارد. همانطور فردی که به دفاع مقدس بعنوان یک کالبد

انسانی شکل گرفته می نگرد تنها چیزی را مدنظر قرار می دهد که واقع شده و صورت گرفته است و به چیزی بیش از آن و یا کمتر از آن توجه ندارد و در حقیقت از متن واقعه جدایی نمی پذیرد. این نگاه در ظاهر مورد تمجید مورخین می باشد چرا که برای ثبت و ضبط تاریخ نیازمند دانستن تمام جزئیات تاریخی می باشند لکن شأن راوی متفاوت از شأن یک مورخ است و گرچه اشتراکات زیادی با یکدیگر داشته و در اکثر امور نیازمند مباحث یکدیگر می باشند لکن تنها بخشی از روایت راوی بیان مطالب تاریخی و شرح حوادث است و بخش عمده و اثرگذار روایت او تحلیل آنچه که گفته و آنچه که اتفاق افتاده است می باشد. در حقیقت این تحلیل از لحاظ ارزشمندی مطلب، وزن بیشتری نسبت به شرح حوادث دارد و آن چیزی که می تواند موجب بقاء یک روایت گردد، نوع تحلیلی است که ارائه می گردد. مخاطب پس از دریافت تحلیل راوی و تجزیه اولیه آن در ذهن خود به نتایجی دست می یابد که آن نتایج بیانگر قدرت اثرگذاری و یا ناکارآمد بودن روایت می باشد.

همچنین مطلب دیگری که می تواند به محتوای مطالب و تاثیرگذاری آن کمک کند بیان اثرات و نتایج جنگ و دفاع مقدس در دوران های بعد از جنگ می باشد. سوال اصلی اینجاست که آیا اصلاً این حقایق، مؤلفه های فرهنگی اثرگذاری هستند یا نه؟

حتی در زمان خود جنگ و وقوع حادثه هم که نگاه می کنیم همه حقایق و وقایع به یک میزان اثرگذاری، نشر و گسترش نداشتند لذا از جمله لوازم اصلی و پیش مقدمه های روایت گری بیان اثراتی است که این حقیقت دوران های بعد از خود گذاشته است و نباید صرفاً به گذشته سپری شده این حقیقت نظر افکند و راجع به حادثه در گذشته حرف می زند بلکه لازم است اثرپذیری زمان حال از گذشته را نیز مد نظر قرار دارد.

آنچه که می تواند مخاطب را در استماع یک روایت تحریک کند نوع انگیزه ای است که در او ایجاد می گردد و اگر این انگیزه جنبه عینی و ملموس داشته باشد به مراتب تاثیرات تحریک کننده بیشتری را در فرد خواهد داشت.

۸- عدم استفاده از روش تحلیلی

عدم ارائه تحلیل مناسب و همچنین عدم نتیجه گیری درست از مباحث مطرحه و رها کردن فرد در انباری پر از اطلاعات گنگ و مبهم در بعضی اوقات می تواند بسیار خطرناک تر از عدم ارائه مطلب به یک فرد باشد. این مسئله در مورد جریان روایت گری دفاع مقدس که یک امر قدسی و معنوی بوده و اثرات آن تنها منحصر به فرد و یا گروه خاصی نبوده بلکه یک مسئله ملی و تاریخی است، بسیار حساس تر می باشد. اولین ضعف و مشکل این است که راوی نداند بر اساس چه معیار و

ملاکی می‌خواهد صحبت کند و از مباحث خود بدون نتیجه‌گیری و ارائه تحلیل خارج شود.

مشکل دوم، عدم درک درست راوی از اصل فرهنگ دفاع مقدس می‌باشد و اینکه نتیجه‌گیری و تحلیلی را که ارائه می‌دهد، تحلیلی غلط و نادرست باشد که به مراتب از عدم تحلیل خطرناک تر می‌باشد. این مطلب در بخش تحریف محتوایی مطالب ذکر گردیده است.

۹- روایت مناسب از شهید و شهادت

اگر به جنگ و شهادت و واژه‌هایی از این قبیل صرفاً بعنوان حوادثی غم‌انگیز و مصیبت بار نگاه کنیم که فقط شایسته گریه و حسرت یا مداحی و نوحه سرائی باشند، جز درد و رنج و حسرت و مصیبت از شهادت چیزی نصیبمان نخواهد شد اما شهادت علاوه بر وجه مظلومیت و رنج، چهره دیگری نیز دارد که سراسر شور، شوق، اشتیاق و حماسه است. اینجا دیگر شهید نه بعنوان یک جوان ناکام بلکه بعنوان مرشد آگاهی است که نور می‌افشاند و بدر غیرت و افتخار می‌پراکند. لذا ما علاوه بر گریه و عزاداری بر شهید و شاهد نیاز به آگاهی و معرفت واقعی نسبت به او، علت و انگیزه حضور او در جبهه‌های ۸ سال دفاع مقدس و هدف او از انتخاب سرخ‌قیام و شهادتش نیز داریم.

در مورد مناطق و آثار اردوهای راهیان نور و خاطرات شهدا مطالب زیادی در روایت راویان گفته می‌شود که به نوعی سعی در تحریک و تشویق مخاطبین برای سفر به مناطق و زیارت آنجا دارد و از سوئی مملو از اوهام و خیالات گاه‌افردی می‌باشد که هیچگاه این خیالات و یا شهود فردی نمی‌تواند ملاک و حجتی برای دیگران باشد. این نوع از تحریفات در حقیقت همان نوع دوم تحریف، یعنی تحریف معنوی و محتوایی می‌باشد.

۱۰- تلاوم فرهنگ و جریان روایت‌گری

ماندن در گذشته و عدم پاسخگویی به نیازهای حال و آینده‌بدین معنا است که با گذشت زمان و تغییر مقتضیات زمان مسائل تغییر می‌کنند و تنها آنچه باقی می‌ماند، آن ماهیت و روح کلی حاکم بر آن موضوع است. آنچه که امروزه می‌تواند بسیاری از مشکلات جامعه را حل کند و بسیاری از خلاءها را بپوشاند استفاده از فرهنگ، بینش و نوع نگرش رزمندگان عرصه دفاع مقدس است، همچنان که ایشان نیز این فرهنگ و نوع بینش را از حضرت امام خمینی (ره) و حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع) فرا گرفتند. این فرهنگ عظیم اگر امکان تلاوم فرهنگ جهاد، شهادت، ایثار و مقاومت را فراهم نکند در زمان و مکان خاص محصور شده و محدود و مقید می‌شود. این فرهنگ تنها زمانی تلاوم می‌یابد که سیر تاریخی آن بدرستی تبیین شود و به مهدویت گره بخورد. فرهنگ شیعه، اجتهاد پویا است و از مهم‌ترین اصول اعتقادی شیعه اصل انتظار است. انتظار ادامه

بعثت، غدیر و عاشورا است و مهدی (عج) پرچم افتاده حسین (ع) را بر خواهد داشت و آرمان‌های بلند او را تحقق خواهد بخشید. انتظار یعنی چشم‌به‌راه بودن یک واقعه و اتفاق خوب و بزرگ و بالاخره یک آینده بهتر. به این معنا انتظار یک مفهوم فطری و بشری است که در نهاد همه انسان‌ها وجود دارد. امید به آینده‌ای بهتر در نهاد بشر بعنوان یک حقیقت و واقعیت فطری وجود دارد و اگر امید به آینده را از انسان بگیریم او را محکوم به مرگ کرده‌ایم.

در همین راستا به نظر می‌رسد اولین قدم، استخراج آن فرهنگ کلی و روح کلی حاکم بر دفاع مقدس است و توجه به اینکه این فرهنگ از کجا ناشی شده و چه مؤلفه‌هایی دارد و چگونه می‌توان آن را به نسل آینده منتقل کرد از جمله مسائلی است که در این راستا مورد توجه قرار می‌گیرد. توجه به این مطلب که از کدام جنبه‌های یک موضوع استفاده کنیم می‌تواند موجب ماندگاری آن موضوع در همه اعصار بشود.

۱۱- تفکیک خرده فرهنگ‌ها از فرهنگ

مباحثی همچون عملیات متهورانه، ترس، شوخ طبعی‌های جبهه و ... از جمله مواردی هستند که بعنوان خرده فرهنگ‌های دفاع مقدس شناخته شده و به هیچ عنوان نباید این مطالب را بعنوان فرهنگ اصلی و ریشه‌ای دفاع مقدس بیان داشت. خرده فرهنگ در حقیقت پاره فرهنگ‌هایی می‌باشد که تنها در شرایط و مکان و زمان خاص و محدودی ظاهر شده و منحصر به آن شرایط و زمان و مکان می‌باشد و نمی‌توان آنها را در دیگر شرایط و زمان‌ها به اجرا گذارد. بنابر تعاریف موجود از فرهنگ، آن چیزی را می‌توان بعنوان فرهنگ تلقی کرد که امری ثابت، ماندگار، منطبق با شرایط و موقعیت‌های مختلف باشد و بتوان آن را در مکان و زمان‌های متفاوت به اجرا گذارد. البته هر چند این تعریف آنچنان علمی نمی‌باشد و برای درک درست این مفهوم لازم است که به کتب تخصصی مراجعه کرد، لکن در همین حد برای بحث ما قابل قبول می‌باشد که توجه داشته باشیم بسیاری از مواردی که اکنون در فضای جامعه بعنوان نمادهای فرهنگ دفاع مقدس مشهور بوده و دائماً از طریق رسانه‌ها و نمایشگاه‌های مختلف تبلیغ و معرفی می‌گردند، نه تنها نماد فرهنگ دفاع مقدس نبوده بلکه از جمله خرده فرهنگ‌هایی هستند که تنها در زمان خود کارایی داشته و اکنون ممکن است که تأثیرات گاه‌متضاد و یا خنثی داشته باشند.

برای این مورد می‌توان از شوخ طبعی‌های جبهه به عنوان مثال نام برد که تنها در زمان و مکان و شرایط خاص خود اثرگذار بوده و اکنون تنها می‌توان از آنها بعنوان یک خاطره و یا یک حادثه تاریخی نام برد.

۱۲- عدم درک درست از عرفان دفاع مقدس؛

برخی راویان، بواسطه عدم درک درست از ماهیت دفاع مقدس و روحیه و اهداف رزمندگان نوعی انزوا و گوشه نشینی و خروج از شهر و

ماندن در فضای مناطق عملیاتی را مطرح می‌کنند که این مطلب برخلاف هدف غایی از اعزاز زائرین به کاروان‌های راهیان نور است. حضرت امام خمینی در یکی از بیانات خود راجع به جنگ تحمیلی تعبیر حماسه را به کار بردند که این حماسه موجب تحرک و پویایی در ملت شده است و خیلی از منابع انسانی این ملت بواسطه این حادثه شکوفا شده است. این تعبیر و دیگر تعابیری که از بزرگان نقل شده است نشان‌دهنده این می‌باشد که عرفان دفاع مقدس به هیچ عنوان عرفان انزوا و گوشه نشینی و پرهیز از فضای جامعه به خاطر دور ماندن از گناه و عصیان نیست بلکه نوعی عرفان آماده سازی و تهیه و تدارک است که قصد دارد بواسطه نوع سختی که در درون خود دارد فرد را برای یک مبارزه عظیم نفسانی و جهاد خارجی آماده کند.

۱۳- غلبه رویکرد عرفانی و شهودی بر گفتمان روایت‌گری.

این امر موجب می‌شود که فرد با فضایی متفاوت از آنچه به ظاهر دیده می‌شود مواجه شود. فضایی که در آن حوادث و وقایع دفاع مقدس به زبانی توصیف می‌شود که یک فضای شهودی است و تنها برای فرد حاضر در صحنه امکان وقوع دارد. در این نوع نگاه که متأسفانه در اکثر روایان رزمنده مشاهده می‌شود فرد با یک دنیای آرمانی مواجه می‌شود که تنها برای شخص راوی امکان وقوع داشته و تقریباً دیگران از دست‌یابی به این دنیا و فهم آن محروم می‌باشند.

۱۴- داشتن داعیه نواندیشی در مناسک دفاع مقدس؛

بطور کل از فراگیرترین ویژگی‌های نسل جوان امروز داشتن داعیه نو اندیشی و ایجاد تغییر و تحول در بسیاری از مناسک و برنامه‌های مذهبی و عمومی می‌باشد و در همین دوران است که موسسات و تشکل‌های گوناگون و چه بسا متضاد بر محور دفاع مقدس شکل می‌گیرد. کسانی که بدنبال جذب نسل جوان به دنبال هرگونه ابزار و برنامه نو و جدیدی هستند و غافل از اینکه هدف هیچگاه وسیله را توجیه نمی‌کند.

۱۵- ضعف در نوع بینش و نگرش راوی به مقوله انقلاب و دفاع

مقدس

وظیفه تاریخ نگار حفظ و ثبت و ضبط آنچه گذشته و بوده است می‌باشد و وظیفه راوی، روایت و بازخوانی تاریخ، لکن راوی دفاع مقدس با توجه به آن عقل و شعور و نگرشی که از جنگ و حوادث آن دارد و همچنین با توجه به تحلیلی که از شخصیت مخاطبین و نوع نیازهای آنها بدست می‌آورد، جهت رسیدن به آرمان‌ها و اهداف و مقصد کلی خود از روایت فرهنگ دفاع مقدس، دست به چینش، گزینش، پردازش و بازتولید مطالب می‌زند.

این نوع روایت مینا و منشا دارد و منشا آن، نوع بینش و اعتقاد فرد و

برداشتی است که از مقوله جنگ دارد، لذا به نظر می‌رسد اصلاح نوع بینش و نگرش راویان جهت اصلاح امر روایت فرهنگ دفاع مقدس بسیار مهمتر از در اختیار قرار دادن اطلاعات به آنها می‌باشد.

در پایان، برخی پرسش‌ها که لازم است مسئولین و متولیان عرصه فرهنگ دفاع مقدس در زمینه روایت و روایت‌گری به آن پاسخ بدهند به شرح بیان می‌شود:

۱- چرا بعضی از روایت‌ها به ضد روایت و یا ضد تبلیغ تبدیل می‌شوند؟

۲- چرا در اکثر روایت‌گری‌ها شاهد نقص در بیان مطالب و محتوا هستیم؟

۳- چرا عده‌ای مقوله روایت‌گری وقایع جنگ و دفاع مقدس را چنان ساده و سطحی گرفته‌اند که به راحتی هر آنچه به ذهنشان می‌آید را بیان می‌کنند؟

۴- آیا صرف رزمنده بودن و حضور در صحنه جنگ می‌تواند مجوزی برای نقل حوادث و روایت‌گری جنگ باشد یا اینکه به مؤلفه‌ها و مشخصه‌های دیگری همچون درک درست فرهنگ دفاع مقدس و جنگ نیاز است؟

۵- مؤلفه‌ها و مشخصه‌های روایت‌گری فرهنگ دفاع مقدس چیست؟

۶- این مؤلفه‌ها از چه نوع نگاهی به مسئله جنگ نشأت گرفته‌اند؟

۷- بطور کل هدف از روایت‌گری فرهنگ دفاع مقدس چیست؟ آیا باز تولید و بازسازی حوادث گذشته مدنظر است یا بازخوانی و همروایی وقایع گذشته جهت بهره‌برداری در حال و آینده؟

۸- آیا در روایت‌گری اولویت با بیان مسائل و حوادث گذشته است (تاریخ‌گویی) یا بیان اثرات آن حوادث در حال و آینده آن جامعه و مردم؟

۹- آیا بطور کل حوادث دوران دفاع مقدس در فضای جامعه بعد از خود اثرگذار بوده‌اند؟

۱۰- آیا این اثرگذاری حوادث دوران دفاع مقدس یک اثرگذاری واقعی و حقیقی است یا کاذب و نمادین و تنها جهت فراموش نکردن آن واقعه و حماسه‌های رزمندگان می‌باشد؟

۱۱- کدام یک از حماسه‌ها و وقایع دوران دفاع مقدس بیشترین اثر گذاری را داشته‌اند؟

۱۲- آیا بهتر نیست جهت روایت‌گری و انتقال فرهنگ دفاع مقدس، از مؤلفه‌های اثرگذارتر استفاده شود؟

۱۳- آیا بحث و بررسی پیرامون دستاوردهای دفاع مقدس قابلیت آن را ندارد که مسیر و برنامه محتوایی روایت‌گری را تعیین کند؟

۱۴- آیا ...